



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی



عمر الکرما
علیه السلام

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir



امام حسین علیه السلام ومبارزه با بدعت ها

حسین دریاب

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

امام حسین علیه السلام و مبارزه با بدعت ها

نویسنده:

حسین دریاب

ناشر چاپی:

مجهول (بی جا ، بی نا)

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۶	امام حسین(ع) و مبارزه با بدعت ها
۶	مشخصات کتاب
۶	مقدمه
۶	بدعت های اهل کتاب
۶	بدعت های خلفای فاسد
۸	مبارزه با بدعت گذاران واجب است
۸	افزایش های بدعت های یزید
۹	امام حسین اهل بدعت را به مبارزه می طلبد
۹	امام حسین اهداف قیام خود را بیان می کنند
۱۱	درخواست ها که از رفتن منصرف شود
۱۱	اهداف بنی امیه از انتخاب یزید برای خلافت
۱۲	عزم راسخ آن حضرت برای مبارزه با بدعت ها
۱۳	شهادت علی اصغر بدعت گزاران را رسوا کرد
۱۵	کشاندن یزید برای محاکمه علنی در مجلس شام
۱۵	اعترافات خلیفه جنایت کار بر کفر الحاد و دشمنی با اسلام
۱۷	درباره مرکز

مشخصات کتاب

نوع: مقاله

پدیدآور: دریاب، حسین

عنوان و شرح مسئولیت: امام حسین (ع) و مبارزه با بدعت ها [منبع الکترونیکی] / حسین دریاب

توصیف ظاهری: ۱ متن الکترونیکی: بایگانی HTML؛ داده های الکترونیکی (۴ بایگانی: ۲۹KB)

موضوع: حسین بن علی (ع)، امام سوم

مقدمه

بدعت آن است که چیزی را در دین وارد کنند که در دین نیست و یا چیزی را که کتاب و سنت حرام کرده اند، حلال کنند، و یا آن چه را حلال کرده اند، حرام بدانند. به این عمل از جهت تازه و نو بودن بدعت می گویند.

بدعت های اهل کتاب

هر پیامبری را که خداوند برای بندگانش می فرستاد و با آنان دین و احکام می آورد، پس از وفات و غیبت آن پیامبر مدت کمی نمی گذشت که شیاطین سود جود و فرصت طلب به عنوان های مختلف احکام آن دین را تحریف و تغییر می دادند و بدعت هایی را در آن می گذاشتند و به نحوی آن بدعت ها را توجیه می کردند، و اصطلاحات فریبنده ای رابه کار می بردند، مانند مصلحت اهم و مهم مقتضی زمان و از این قبیل واژه هایی که می توان به وسیله این واژه ها متدینان بی خرد را اغوا کرد، چنان که آیات قرآنی به این امر کراراً اشاره می فرماید: «یحرفون الکلم عن مواضعه. این بدعت ها و تحریف ها را به گونه ای وارد می کردند، که نه تنها در احکام و شرایع دین بلکه در مسائل اعتقادی نیز انحراف و بدعت ایجاد می شد مانند: عیسی پسر خدا، و عزیر پسر خدا و تثلیث و سه گانه بودن خدا که آیات فراوانی در این زمینه ضمن اشاره به اهل کتاب و رد کردن این اعتقادات آنان را به کافر بودن محکوم می کند.

بدعت های خلفای فاسد

همواره شیاطین هر زمان این شیوه شیطانی را تعقیب کردند تا زمانی که خداوند دین اسلام را (که برترین ادیان الهی است به توسط بهترین برگزیدگان محمد بن عبدالله (ص) فرستاد و آشکار نمود. حضرت رسول (ص) پس از این همه تلاش و تحمل رنج و مشقت دین مقدس اسلام را در میان مردم ترویج کرد و به دستور مؤکد خداوند، خلیفه و جانشین پس از خود را منصوب نمود. اما هنگامی که چشم از دنیای فانی بر بست

و هنوز آب غسل بدن مبارکش به کفن خشک نشده و بدن مطهر آن حضرت دفن نشده بود، حرامیان منافق و سودجویان فرصت طلب در خفا گرد هم آمدند و نص حکم خداوند را تحریف کردند؛ یعنی خلافت امیر مؤمنان (ع) را که خداوند تعیین کرده بود و آیه تبلیغ ولایت را برای اولین آیه تحریف کردند و آن را خلیفه اختراع کردند، سپس احکام الهی را یکی پس از دیگری تحریف کردند؛ چنان که بعد دومین آیه آیه ارث بود که تحریف کردند و ابوبکر دروغی را به رسول خدا (ص) نسبت داد و گفت ما گروه پیامبران بر بازماندگان ارثی نمی گذاریم و آنچه که از ما بماند از آن بیت المال است فخر رازی در تفسیر خود، ذیل آیه مزبور، بر این حدیث چندین اشکال وارد می کند و می گوید: «بماند که این گفته ابوبکر خلاف نص قرآن است .. اضافه بر آن پیغمبر (ص) یک فرد حکیم و دانا است هرگز سخن بیهوده و بی ربط نمی گوید و مسئله ارث پیغمبر (ص) به ابوبکر مربوط نیست چگونه پیامبر (ص) به کسی چیزی بگوید که با او ربطی ندارد، در حالی که کسانی مربوط به ارث بودند، مانند ابن عباس و حضرت امیرمؤمنان (ع) و حضرت فاطمه (س) که اینان از عقلا و دانایان بودند که اگر بنا بود پیغمبر درباره ارث چیزی بگوید، به طریق اولی به اینان می گفت در حالی که پیامبر خدا (ص) به آنها چیزی نگفته بود.» آری از این قبیل بدعت ها و انحراف ها در دین از جانب مدعیان خلافت غاصبان در دین وارد آوردند که

زمینه را چنان برای یزید بن معاویه هموار کرد که بسیار آسان نه تنها غضب خلافت نمود بلکه شتاب زده مبادرت به تحریف و بدعت در احکام دین مقدس اسلام کرد.

مبارزه با بدعت گذاران واجب است

آری بنی امیه در واقع یزید را برای از بین بردن دین اسلام و محو قرآن برای خلافت و حکومت برگزیده بودند. اما حضرت سیدالشهدا (ع)، چنان در برابر این دسیسه ها و بدعت های بنی امیه منفعل و بی تاب شده بود که دیگر تاب قرار و سکوت رانداشت زیرا رسول خدا (ص) فرمود: «اذا رأیتم أهل الریب و البدع من بعدی فاطهروا البرائة منهم واکثروا من سبهم و القول فیهم و الوقیعہ و باهتوهم کیلا یطمعوا فی الفساد فی الاسلام و یحدّرهم التّاس و لا یتعلمون من بدعهم یکتب الله لکم بذلک الحسنات و یرفع لکم به الدرجات فی الآخره هرگاه پس از من با گمراهان و بدعت گزاران در دین برخورد نمودید با صراحت و آشکارا با آنان مخالفت کنید و از آنها براءت بجویید و به آنان بدگویی گویند و آنان را بی ارزش کنید و هر چه زشتی است به آنان نسبت دهید، تا میان مردم بی ارزش شوند و نتوانند در دین اسلام فساد ایجاد کنند و از آنان دوری و کناره گیری کنند، بدعت هایشان را نیاموزند که خداوند برای هر کلمه ای که بر آنان گویند، حسناتی را ثبت خواهد نمود و برای آن درجاتی را به شما خواهد افزود.»

افزایش های بدعت های یزید

هر روز از گوشه کنار گزارش هایی درباره تغییر احکام الهی و نا دیده گرفتن ارزش های دینی می رسید؛ یک روز گزارش می رسید که قصر نشینان یزید، به دستور یزید شراب را حلال کرده اند و روز دیگر حرام دیگری را مباح و حلال کرده اند و اگر فرد با ایمانی پیدا می شد و نهی از منکر می کرد، با برخورد توجیه گرانه اموی ها روبه رو

می گردید، و یا او را تکفیر و محکوم به مرگ می کردند. لذا حضرت سیدالشهدا (ع) بر اساس رد این بدعت ها و انحراف های دینی حرکت جهادی خود را آغاز نمود، زیرا پیغمبر خدا (ص) فرموده بود: «اذا ظهرت البدع فی أمتی فلیظهر العالم علمه و المآ فعلیه لعنه الله و الملائکه الناس اجمعین هر گاه بر اتم بدعت ها آشکار شد، پس حتماً بر عالم باد که علم خود را آشکار کند و گرنه لعنت خداوند و تمام فرشتگان و همه مردم بر او خواهد بود.» و این یک دستور الهی بر علما است

امام حسین اهل بدعت را به مبارزه می طلبد

شکی نیست که مصداق بارز و برجسته «عالم حضرت امام حسین (ع) بود، و لذا هنگامی که خواست حرکت کند فرمود: «ان کان دین محمد لم یستقم الا بقتلی یا سیوف فخذینی اگر بنا باشد دین جدم با این دسیسه ها سقوط می کند [و برپا نمی شود مگر به ریختن خون من پس ای شمشیرها مرا دریابید.]» پس آن حضرت در آغاز نامه هایی که به گوشه کنار بلاد فرستاد، مسلمانان را از بدعت هایی که یزید در دین وارد کرده بود، آگاه نمود و آنان را برحذر کرد، و در ضمن حرکت و قیام خود، به آنان ابلاغ نمود که ای مسلمانان من به جهاد با بدعت گزاران و دشمنان قسم خورده دین اسلام می روم که آنان قصد دارند، دین اسلام و قرآن را از بین ببرند.

امام حسین اهداف قیام خود را بیان می کند

امام به برادرش محمد بن حنفیه نوشت که بعضی از عبارات آن چنین است «وانی لم أخرج أشراً و لا بطراً و لا مفسد و انما خرجت لطلب الاصلاح فی أمة جدی (ص) و أريد أن آمر به المعروف و أنهي عن المنکر و أسير بسيره جدی و أبی علی بن أبی طالب (ع)؛ همانا من به قصد سرکشی و خون ریزی و ظلم قیام نکردم بلکه برای اصلاح امت جدم (ص) قیام کردم و قصدم امر به معروف و نهی از منکر بود و سیره من همان روش جدم و پدرم علی (ع) است» سپس عزم بیت الله الحرام نمود که در موسم حج دسیسه های یزید و بنی امیه را که دشمنان قسم خورده اسلام بودند، در جمع مسلمانان که برای حج گرد آمده اند، افشا کند. وقتی

که به مکه فرود آمد، بیانیه هایی را درباره بدعت ها و انحرافات در دین اسلام صادر نمود و به هر کس که می رسید، علم خود را در این باره و رسوا کردن بنی امیه ظاهر می کرد، آن گاه عمال بنی امیه افشاگری های آن حضرت را برای یزید بن معاویه گزارش کردند و یزید هنگامی که از حرکت آن حضرت با خبر شد، سی نفر از شیاطین بنی امیه را که سلاح زیر پوشش خود مخفی کرده بودند، مأمور کرد که حضرت سیدالشهدا (ع) را به قتل برسانند. اگر چه به پرده های کعبه آویزان باشد، حضرت از نقشه بنی امیه مطلع شد و به سوی مدینه حرکت کرد، و بار دیگر به روضه جدّش رسول خدا (ص) رفت و اوضاع اسلام و مسلمانان را با قبر جدّ بزرگوارش در میان گذاشت و مشغول دعا و نماز و راز و نیاز شد. سربه سوی آسمان بلند کرد و عرض کرد: پروردگارا، این قبر پیامبر تو محمد است و من فرزند پیغمبر تو هستم خود از حال من باخبری خودت می دانی که من می خواهم امر به معروف و نهی از منکر کنم پروردگارا تو را به صاحب این قبر قسم می دهم مرا به راهی که رضای تو و رسالت است راهنمایی کنی سپس بسیار بگریست رسول خدا امام حسین را به جهاد با بدعت ها می فرستد لحظاتی به خواب رفت در عالم رؤیا خود را در آغوش جدّش رسول خدا (ص) دید که به او می گوید: «حیبی یا حسین کأنتی أراک - عن قریب مرماً بدماک مذبوحاً بارض کربلا؛ فرزندم برو به سوی شهادت زود است تو

را به خاک و خونت آغشته بنگرم...» فرزندم تو باید برای دین شهید شوی آن گاه از خواب بیدار شد به دستور جدش رسول خدا (ص) بی درنگ عمل کرد و به حرکت خود ادامه داد.

درخواست ها که از رفتن منصرف شود

در هر حالی که بزرگان مدینه هر کدام از باب نصیحت حضرت را از رفتن به عراق منع کردند، حضرت (ع) چون چیزی را می دید و آنان نمی دیدند و این بدعت ها و انحرافات امویان را در اسلام بزرگ ترن خطر احساس می کرد، برخورد با بدعت را ما فوق زندگی در دنیا می دید. لذا هر کدام را به یک نوع مجاب می کرد و از آنان می گذشت و به حرکت خود ادامه داد، و شاید اگر آن حضرت (ع) به حرکت خود ادامه نمی داد، همه هستی اسلام از بین می رفت

اهداف بنی امیه از انتخاب یزید برای خلافت

بنی امیه با تلاش فراوانی به وسیله تبلیغات وسیع قداستی برای یزید پدید آوردند و به گونه ای چهره منحوس یزید را، مقدس و الایمقام نمایانند که اگر یزید، حکمی را صادر می کرد، مردم بدون چون و چرا آن را باور می کردند. او به جایی رسیده بود که می توانست تک تک احکام اسلام و ارزش های اسلام را یکی پس از دیگری مندرس و نابود کند، زیرا یزید این موقعیت چنانی را از دو اهرم بزرگ به دست آورده بود: ۱- اموال بیت المال را در اختیار داشت که معاویه به مدت چهل سال آن مال های فراوان را ذخیره کرده بود و بی درنگ همه این اموال در اختیار یزید قرار گرفت و او می توانست با این مال بسیار، هر کاری را که اراده کند، انجام دهد؛ ۲- حقد و کینه و دشمنی هایی که بنی امیه از جنگ بدر در سینه ها داشت (همان طوری که در دعای ندبه آمده أحقاداً بدریه و حنیثیه دست به دست هم داده بود که اسلام و مسلمانان را نابود کنند،

این دو امر نیرومند و قوی یزید را بر عرشه قدرت و مقام علیه دین اسلام و مسلمانان جرئت داده بود. این مطالب از حوادث حرکت امام حسین (ع) به دست می آید، طبری در تاریخ خود می گوید: حضرت امام حسین (ع) در زمین بیضه میان دو لشکر، لشکر خود و لشکر حرّ بن یزید بن رباحی پس از حمد و ثنای الهی فرمود: ای مردم حضرت رسول خدا (ص) فرمود: هر آن کس که سلطان جائری را ببیند که حرام خدا را حلال کند و پیمان خداوند را بشکند، و خلاف سنت دین رسول خدا عمل کند، و در میان بندگان گناه ستم را رواج دهد، و آن کس علیه او کاری نکند و سخنی در ردّ او نگوید، این حق خداوند است که کیفر و عقاب او را با همان سلطان یک سان قرار دهد، ای مردم همانا گروه بنی امیه به پیروی شیطان رفتند و از اطاعت خداوند سرپیچی کردند و در دین خدا رخنه و فساد ایجاد کردند، و حدود الهی را تعطیل نمودند و اموال بیت المال را حیف و میل کردند و حرام خدا را حلال کردند و من سزاورتر از دیگران به امر خلافت هستم ..

عزم راسخ آن حضرت برای مبارزه با بدعت ها

و در کتاب حلیه الأولیاء نقل شده هنگامی که لشکریان یزید، صحرای کربلا را پر کردند و جنگ قطعی شد، حضرت امام حسین (ع) رو کرد به اصحاب خود و فرمود: اوضاع را چگونه می بینید! مردم دنیا از اسلام برگشتند و همه چیز واژگون و محیط دنیا مانند شوره زاری تلخ شده و چیزی از آن جز پس مانده ای در چاله ها و چراگاهی پس مانده

باقی نمانده آیا نمی بینید به احکام دین حق عمل نمی شود و از بدعت ها و باطل ها نهی و جلوگیری نمی شود.... تا این که مومن به لقاء الله رغبت نماید، سپس فرمود: «انّی لا اری الموت الاّ سعاده و الحیاه مع الظّالمین الاّ برما؛ اکنون مرگ را جز سعادت و زندگی را با ستم گران جز بدبختی و خواری نمی بینم» و در بحار نقل شده در روز عاشورا به حضرت ابا عبدالله (ع) گفته شد، به حکم عموزاده ات یزید فرود آی تا از مرگ رهای یابی فرمود: نه به خدا قسم هرگز دست ذلت به شما نمی دهم و مانند برده ها فرار نخواهم کرد، سپس این آیه را تلاوت کرد: انّی عُدْتُ رَبِّی وَ رَبِّکُمْ مِنْ کُلِّ مُتَّکَبِرٍ لَا یُؤْمِنُ بِیَوْمِ الْحِسَابِ ؛ من به خدای آفریننده من و شما و همه عالم از شر هر کافر متکبری که به روز حساب ایمان نمی آورد، پناه می برم و از او یاری می طلبم سپس فرمود: مرگ با عزت بهتر است از زندگی با ذلت و این ابیات را انشا نمود. الموت خیراً من رکوب العار و العار اولی من دخول ناری و الله ما هذا و هذا جاری با حوادث روز عاشورا و بعد از آن اسارت اهل بیت (ع) پرده از چهره جنایات یزید بر کنار می رود و از آن حوادث جریحه دار، شهادت علی اصغر (ع) است که اگر علت شهادت علی اصغر طفل شیر خوار حضرت سیدالشهدا (ع) همیشه تحقیق و بررسی شود، مطالب مهمی به دست می آید. که واقعیت ها را آشکار می نماید.

شهادت علی اصغر بدعت گزاران را رسوا کرد

۱- بنی امیه به طوری برای یزید و خلافتش تبلیغ کرده بودند که مسلمانان یزید را خلیفه

به حق رسول الله می دانستند. هر حکمی را صادر می کرد، حکم خدا می دانستند. شهادت علی اصغر تمام تبلیغات دروغ را بر ملا- و خنثی نمود. ۲- مخالف یزید را کافر و مهدور الدم می دانستند، که شهادت علی اصغر نقاب اسلامی را از چهره یزید برطرف کرد و ثابت شد که یزید کافر است و دین اسلام از گزند او مصون باقی ماند. ۳- هر که بدعت های یزید را نمی پذیرفت فوری از جهت مرتد شدن به قتل می رسید، ولی شهادت علی اصغر ثابت کرد که یزید و طرف دارانش بویی از دین نبرده اند و او دشمن دین و بشریت است ۴- چنان بدعت ها گسترده و بسیار بود که رفته رفته بیم محو اسلام احساس می شد، و شهادت علی اصغر چنان یزید را از ولایت بر اسلام نزد مردم ساقط کرد که کسی دیگر جرئت نمی داشت بگوید شراب خوردن به دستور یزید حلال است و یا بدعت دیگری را مباح بدانند. ۵- اگر شهادت علی اصغر نبود، بیم آن بود که خون همه شهدا از بین برود و بنی امیه باقی بمانند و کسی دیگر سوگواری نکند، و می گفتند، مردی مردی را کشت و کشته شد و تمام شد، ولی شهادت علی اصغر این عذر را از مردم گرفت و دیگر برای مردم سخنی نگذاشت جز انزجار و تنفر وجدان ها از بنی امیه را افزود و نام یزید را نزد وجدان های دوست و دشمن متفّر و زجر آور نمود. ۶- لذا هنگامی که حضرت قنذاقه علی اصغر را آورد، چنان لرزه به اندام قوم افتاد که نقل کرده اند: «کادالقوم أن يتفرّقوا؛ نزدیک بود که لشکر از هم پاشد»

و لذا عمر سعد که در تنگنای سختی قرار گرفته بود و از این امر بسیار وحشت زده شد، دیگر نمی توانست کاری کند جز دستور به شهادت رساندن آن طفل را، هر چند در ظاهر تیر به حلقوم طفل شیرخوار حسین پرتاب شد و او را شهید نمود، لیکن در واقع عمر سعد دستور داد تیر به ریشه کاخ نشینان بنی امیه نشانه رود. با همین تیر، ریشه بنی امیه و یزید قلع و قمع شد و نقاب قداستی که به وسیله آن برای انحراف دین و بدعت به چهره گذاشته بودند، شکافته شد، و چهره حقیقی مخوس آنان برملا و آشکار کردند، آن گاه حقیقت موزیانه و شریر یزید و بنی امیه بر همه دنیا برملا شد.

کشانیدن یزید برای محاکمه علنی در مجلس شام

پس از رسوایی بنی امیه و پس از آن که بر همه آشکار شد که هدف یزید و بنی امیه از بدعت گذاشتن در دین نابودی اسلام و محو آن بوده و یزید و بنی امیه دشمنان قسم خورده قرآن و اسلامند اکنون نوبت محاکمه علنی یزید خلیفه نماست این رسالت را باید کسی بر عهده گیرد که فوق العاده باشد و سختی ها و مشقت های طاقت فرسایی را تحمل کند. در این رسالت دو مأموریت را باید انجام دهد. اول یزید خلیفه غاصب را به پشت میز محاکمه جلب کند؛ دوم او را به اقرار به ماهیت الحادی و مشرک بودن خود و این که هدف از ایجاد این بدعت ها در دین اسلام جزء دشمنی با دین اسلام و نابودی آن بوده وادار کند.

اعترافات خلیفه جنایت کار بر کفر الحاد و دشمنی با اسلام

آن وقتی که پاره تن حیدر کزاز با غرور و عزت به یزید نهیب زد که یابن الطلقا تو را چه به دین تو کسی هستی که گوشت و پوست و استخوانت از خون شهدای اسلام روییده شده تو کوچک تر از آنی که بتوانی رخنه و انحراف در دین اسلام ایجاد کنی بدان ای یزید تو بازنده ای و آگاه باش که برادرم حسین نقشه های تو و هم دستانت را بر ملا کرد تو و پیروانت از بین رفتید، آن گاه خلیفه بدعت گذار از کلمات آن علیا مخدره حضرت زینب کبری (س) دهشت زده و وحشت کرده جام شراب را در ملاء عام برداشت و نوشید، تا فسق و فجور خود را با این حرکت آشکار کند، سپس به الحاد و مشرک بودن خود اعتراف

کرد و اشعار ابن زبیه را که در جنگ احد به تلافی کشته شده های کفار بدر گفته بود، بر زبان آورد: لعبت هاشم با لملک فلا
خبر جاء ولا وحی «نزل لیت اشیای بی بدر شهدوا و یقولوا یا یزید لا تشل مردم اهل شام و اهل مجلس که اکثر شاد و خرم در
آن مجلس بودند، شکفت زده و مبهوت با تعجب از حرکات و اعتراف یزید بر کفر و مشرک بودن خود، فریاد لعن بر یزید و
بنی امیه سر دادند و همه بنی امیه رسوا و ماهیت تمام بدعت گذاران بعد وفات پیغمبر خدا (ص) تا آن روز آشکار
شد. حقیقت دین اسلام به سبب شهادت حضرت سیدالشهدا (ع) از گزند یزید و اتباعش مصون شد و قیام حضرت ابا عبدالله
الحسین (ع) و شهادت او و یارانش عبرتی برای هر بدعت گذار و درسی برای هر مجاهد و عالمی شد.

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند؟

سوره زمر / ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ. ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفاً علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب «مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱. بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)
۲. تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی
۳. جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه، تبلت ها، رایانه ها و ...
۴. سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو
۵. گسترش فرهنگ عمومی مطالعه
۶. زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱. عمل بر مبنای مجوز های قانونی
۲. ارتباط با مراکز هم سو
۳. پرهیز از موازی کاری

۴. صرفا ارائه محتوای علمی

۵. ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱. چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲. برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳. تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴. تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵. ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶. تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷. راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸. طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹. برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰. برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

JAVA.۱

ANDROID.۲

EPUB.۳

CHM.۴

PDF.۵

HTML.۶

CHM.۷

GHB.۸

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

ANDROID.۱

IOS.۲

WINDOWS PHONE.۳

WINDOWS.۴

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

در پایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نمایم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آواده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک ۱۲۹/۳۴ - طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۰۲۱ - ۸۸۳۱۸۷۲۲

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

